

پوشش ریسک سیاسی بر مبنای منابع صندوق توسعه ملی برای توسعه حضور بخش خصوصی ایران در دوران بازسازی سوریه

محمد مهدی خانوار^۱

چکیده

نفت به عنوان اصلی ترین منبع قدرت اقتصادی و سیاسی همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی دولت های نفتی نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. برخی کشورهای نفتی مانند نروژ با توجه به اهمیت مدیریت منابع نفتی و فهم خطر ورود بی برنامه درآمدهای نفتی به اقتصاد، مبادرت به تاسیس صندوق توسعه ملی کرده اند. در ایران با این که تلاش هایی برای کنترل درآمدهای نفتی توسط حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی انجام شد اما این راهکارها به نتایج مطلوب نرسید و نتوانست از ایجاد بیماری هلندی جلوگیری و موجب رشد اقتصاد کشور شود. یکی از راه های استفاده صحیح از منابع صندوق توسعه ملی استفاده از این منابع برای توسعه صادرات غیر نفتی است که منجر به رشد تولید، رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می شود. لذا یک فرصت کم نظیر در حال حاضر در دوران بازسازی سوریه بوجود آمده است که علاوه بر منافع اقتصادی برای ایران موجب ایجاد یک اتحاد اقتصادی راهبردی بین ایران و سوریه می شود. اما از اصلی ترین موانع حضور بخش خصوصی ایران در بازسازی سوریه عدم پوشش ریسک سیاسی آن ها در این کشور است. لذا با صدور ضمانت نامه پوشش ریسک سیاسی به پشتوانه منابع صندوق توسعه ملی برای حضور بخش خصوصی کشور در سوریه می توان در کنار حمایت از رشد تولید و کاهش بیکاری از منابع صندوق به صورت صحیح استفاده نمود و از مشکلات ورود آن ها به اقتصاد کشور جلوگیری کرد.

کلمات کلیدی: صندوق توسعه ملی، پوشش ریسک سیاسی، دوران بازسازی سوریه، حمایت از تولید ملی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

دستیابی به توسعه اقتصادی یکی از مهمترین اهداف دولتهاست و این فرصت برای کشورهایی که دارای منابع طبیعی هستند، بیشتر فراهم است. ایران به عنوان یکی از کشورهای دارنده منابع غنی نفت و گاز در صورت مدیریت صحیح عواید نفتی، می‌تواند به توسعه اقتصادی دست یابد، حال آن که چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، عدم مدیریت صحیح نه تنها منجر به توسعه اقتصادی نشده، بلکه وابستگی بیش از پیش به درآمدهای نفتی را به ارمغان آورده است و موجب شده تا در صورت افت قیمت نفت از یک سو بودجه‌ی دولت با چالش مواجه و در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و مالی دولت خلل ایجاد شود و از سوی دیگر گرانی و تورم که یکی دیگر از پیامدهای اصلی کاهش درآمدهای نفتی است را بر دوش افراد جامع بار کند.

تاسیس صندوق نفتی، جهت مدیریت ارز حاصل از صادرات نفت و گاز و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در زیرساخت‌های اقتصادی، از دهه ۱۹۶۰ در کشورهای نفت خیز انجام شده است. در ایران نیز از سال ۱۳۷۹ و به موجب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه، دولت جهت نگهداری مازاد درآمدهای ارزی صادرات نفت و گاز، مکلف به افتتاح حسابی به نام حساب ذخیره ارزی گردید، ساختاری که در قانون برنامه چهارم توسعه نیز ابقا گردید. طبق ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و حفظ سهم نسل‌های آینده، صندوق توسعه ملی تاسیس شد.

این صندوق تاکنون نتوانسته است که کارکردهای مورد نظر را محقق کند و دچار مشکلات کارکردی است. با توجه به این که یکی از فلسفه‌های اصلی ایجاد این صندوق استفاده از منابع آن در راستای رشد و توسعه کشور است. در حال حاضر کمک به رشد اقتصادی از مسیر رشد تولید محقق می‌شود که یکی از ملزومات آن رشد صادرات کالا و خدمات ایران است. با توجه به نوع کالاهای تولید داخل و مزیت‌های تولیدات ایرانی بهترین بازارهای صادراتی برای ایران در وهله اول کشورهای منطقه است. در میان این کشورها کشور سوریه با توجه به قرار داشتن در دوره بازسازی پس از جنگ نیازمند بسیاری از کالاها و خدمات ایرانی است و از جذابیت بالایی برخوردار است.

سوریه یکی از کشورهای تأثیرگذار در محور مقاومت و منطقه غرب آسیا با ظرفیت‌های اقتصادی بالا است که در اثر مواجه شدن با بحران‌های نظامی-امنیتی دچار مشکلات اقتصادی شده است. این کشور لاجرم برای بازسازی شهرها و بخش‌های تخریب شده و احیای بخش‌های درآمدزای خود به جذب سرمایه خارجی نیاز دارد. به عبارت دیگر سوریه اکنون به یک بازار بزرگ برای فعالین اقتصادی خارجی تبدیل شده است.

حضور اقتصادی ایران در بازسازی سوریه عوایدی از جمله درآمدزایی، گسترش همکاری‌های راهبردی و تحکیم موقعیت سوریه در محور مقاومت، حرکت در مسیر تشکیل بلوک ضد تحریمی، تأمین نیازهای استراتژیک دو کشور

به صورت متقابل، دستیابی به مسیر بازار مدیترانه و اتحادیه عرب، توسعه فعالیت شرکت‌های ایرانی در سطح بین‌الملل و توسعه بازار پایدار برای کالاهای ایرانی را به دنبال خواهد داشت.

اما اطمینان از پوشش ریسک سیاسی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در سوریه است. ریسک سیاسی به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید. به موجب آن، بازدهی سرمایه‌گذاری در یک کشور مختل شده و سطح اطمینان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. این ریسک مرتبط با جنبه‌های کیفی اقتصاد است.

یکی از راهکارهای استفاده بهینه از منابع صندوق توسعه ملی، صدور ضمانت‌نامه برای پوشش ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری و صادرات به سوریه است. این کار علاوه بر جلوگیری از ورود دلار نفتی به اقتصاد کشور به توسعه صادرات غیرنفتی کشور کمک کرده و موجبات رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و ایجاد روابط راهبردی با کشور سوریه را فراهم می‌کند.

۱. پیشینه تحقیق

علی‌رغم اهمیت صندوق توسعه ملی تاکنون مطالعات گسترده‌ای در این مورد انجام نشده است و بسیاری از ابعاد فعالیت‌های صندوق نیاز به تحقیق و توسعه دارد. در زیر به برخی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌پردازیم. کریمی‌فرد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی صندوق درآمدهای ملی ناشی از فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ با تاکید بر صندوق توسعه جمهوری اسلامی ایران» به بررسی تجربیات کشورها در این زمینه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در سطح ترتیبات نهادی کلان، زمانی عملکرد صندوق با موفقیت همراه است که با کاهش نقش دولت، شبکه‌ای از روابط میان دولت، نهادهای اجتماعی و صنعت شکل گیرد. در سطح خرد نیز بر عواملی همچون نقش دولت، شبکه‌ای از روابط میان دولت، نهادهای اجتماعی و صنعت شکل گیرد. (کریمی‌فرد، ۱۳۹۰)

بهبودی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «صندوق توسعه ملی یا توزیع مستقیم درآمدهای نفتی (بررسی مقایسه‌ای)» به بررسی اثرگذاری حالت‌های مختلف گردش وجوه نفت بر اجزای تولید ناخالص داخلی با استفاده از الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد صندوق توسعه ملی در بلندمدت کارکرد مناسب‌تری نسبت به رویکرد توزیع مسقیم دارد. (بهبودی و دیگران، ۱۳۹۱)

مزینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «باز تعریف نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد نفتی در اقتصاد ایران با تاکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» به طراحی نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل - توصیفی پرداخته است. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که برای مدیریت بهینه

درآمدهای نفتی دستیابی به یک سازوکار مناسب برای هزینه‌کرد بخش اصلی این درآمدها در قالب بودجه سنواتی، شرط لازم و طراحی سازوکار کارآمد ذخیره‌سازی مازاد این درآمدها شرط کافی به حساب می‌آید. (مزینی، ۱۳۹۳)

باستانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تخصیص بهینه درآمدهای نفتی به صندوق توسعه ملی: تحلیل بهینه‌یابی پویا» به تعیین سهم بهینه صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی با استفاده از مدل تعادل عمومی پویا پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ بهینه سرمایه‌گذاری بر مبنای قاعده طلایی، معادل ۱۵ درصد، نرخ بهینه پس انداز در صندوق ۳۳ درصد، نرخ بهینه مصرف دولت معادل ۵۲ درصد از درآمد نفتی می‌باشد و حداکثر میزان منابع ذخیره شده در صندوق طی دوره به ۴۰۸۳ برابر درآمد اولیه می‌رسد. (باستانی و دیگران، ۱۳۹۶)

محمودی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی و تخصیص منابع در صندوق توسعه ملی ایران» به مطالعه تطبیقی صندوق ثروت ملی کشورهای هدف و در نظر گرفتن الزامات و اهداف صندوق توسعه ملی ایران با روش مصاحله نیمه ساختار یافته با خبرگان پرداخته است. نتایج پژوهش در چهار مقوله چهارچوب قانونی و ساختار حاکمیت شرکتی، قوانین مالی مرتبط با منابع و مصارف، سرمایه‌گذاری و نظارت، شفافیت و پاسخگویی ارائه شده است. (محمودی، ۱۳۹۸)

رشیدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ» به بررسی مقایسه‌ای نقش نفت در اقتصاد ایران و نروژ در پی پاسخ به این پرسش که چرا درآمدهای نفت در ایران منجر به توسعه نشده، اما در نروژ پیشران توسعه بوده است؟ پرداخته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که وابستگی ملی ایران به نفت و هزینه کردن درآمدهای ناشی از آن در چارچوب بودجه و هزینه‌های جاری منجر به پیامدهای ضد توسعه در ایران شده است.

بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که با وجود اهمیت محل هزینه‌کرد منابع صندوق به گونه‌ای منجر به رشد و پیشرفت اقتصاد کشور شود اما تاکنون به میزان کافی به صورت مصداقی و جزئی به این موضوع پرداخته نشده است که ما در این مقاله به دنبال بیان و تشریح یک راهکار برای هزینه‌کرد منابع صندوق که موجب بالندگی اقتصاد کشور می‌شود هستیم.

۲. مشکلات کشورهای دارنده منابع طبیعی

برخی اقتصاددانان قرن بیستم معتقدند منابع طبیعی یکی از عوامل کلیدی رشد اقتصادی محسوب می‌شود؛ اما کندی رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه که دارای منابع طبیعی هستند پدیده‌ای غیرمنتظره در ادبیات

توسعه اقتصادی است. نکته مهم این است که منابع طبیعی به خودی خود نه نعمت‌اند و نه مصیبت؛ بلکه عامل تعیین‌کننده، نحوه مدیریت و استفاده از این درآمدها می‌باشند. داشتن سرمایه طبیعی یکی از عوامل توسعه است و این عامل زمانی که با سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی تلفیق شود، می‌تواند پیشرفت ایجاد کند. (کریمی‌فرد ۱۳۹۰)

در برخی کشورها درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، نوعی طرز تفکر اشتباه میان سیاستگذاران ایجاد می‌کند، آن‌ها با دستور کار قرار دادن سیاست‌های کوتاه‌مدت به دنبال دستیابی به پیشرفت و توسعه در کوتاه‌ترین زمان ممکن هستند. یکی از مشکلات اساسی که گریبان‌گیر این کشورهاست، نوسانات قیمت منابع طبیعی می‌باشد. مثلاً نوسانات قیمت نفت بر اقتصادهای وابسته به این درآمدها تاثیر شگرفی دارد؛ چرا که اگر قیمت نفت کاهش یابد، دولت‌ها با کسری بودجه روبه‌رو هستند و ناچارند که طرح‌های عمرانی را تعدیل کنند، در نتیجه رشد اقتصادی پایین خواهد آمد. رشد اقتصاد نفتی، رشدی برون‌زا است. به عبارت دیگر؛ اقتصادهای نفتی، اقتصادهایی وابسته به نوسانات بازار بین‌المللی نفت هستند. وابستگی درآمدهای دولت به بخش نفت یک متغیر خارجی را، که اغلب از کنترل سیاستگذاران و تصمیم‌گیران خارج است، وارد محاسبات توسعه یک کشور می‌کند و باعث می‌شود درآمد و به تبع آن اقتصاد کشور آسیب‌پذیر شود (van der ploeg, 2006).

شوکهایی که به بازارهای نفتی در طول همین چند دهه وارد آمده، باعث شده چرخه متناوبی از رونق – افول به وجود آید. بی‌ثباتی درآمدهای ناشی از نوسانات قیمت نفت امکان برنامه‌ریزی مستمر و پایدار را برای دولت‌ها منتفی می‌کند. نوسان قیمت جهانی منابع طبیعی، تولیدکنندگان کالاهای اولیه و دیگر بخش‌های اقتصاد را با عدم اطمینان روبه‌رو می‌کند که همین نااطمینانی باعث افزایش ریسک و کاهش انباشت سرمایه می‌شود (carneiro, 2007)

اکثر کشورهای دارای منابع طبیعی برمبنای افق‌های زمانی کوتاه‌مدت عمل می‌کنند و معمولاً جذب موفقیت سیاسی کوتاه‌مدت می‌شوند که این امر هزینه‌های حساب جاری را افزایش می‌دهد. افزایش هزینه‌های حساب جاری موجب افزایش تورم می‌شود؛ زیرا اقتصاد این کشورها ظرفیت جذب درآمدها را ندارد و مشکلات سیاسی و اقتصادی فراوانی را به وجود می‌آورد. تورم موجب بالا رفتن هزینه صادرات کشور و ارزان شدن واردات می‌شود که در نهایت به تولید ملی آسیب می‌رساند. این شرایط صنعت داخلی را به رکود می‌کشاند و به کند شدن رشد سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی در کشور دامن می‌زند. در این صورت فعالیت‌های تولیدی در حاشیه قرار می‌گیرند، سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت برای افزایش ظرفیت اقتصاد انجام نمی‌شوند و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت مشاغل و فعالیت‌هایی با بازدهی کوتاه‌مدت (مانند مسکن) انتقال می‌یابند.

معمولات در این کشورها زمانی که دولت تغییر می‌کند پروژه‌های قبلی، که هزینه زیادی را به خود اختصاص داده‌اند، از دستور کار خارج و برنامه‌ها و پروژه‌های جدیدی تعریف می‌شوند. به همین دلیل در اکثر این کشورها پروژه‌های فراوانی می‌توان یافت که نیمه‌کاره به حال خود رها شده‌اند، در حالی که بودجه فراوانی به آن‌ها اختصاص یافته بود. در این کشورها وابسته بودن به قدرت و بهره‌مندی از درآمد منابع طبیعی، علت پیشرفت و سرمایه‌دار شدن است، نه کار و تلاش. درآمدهای فراوان حاصل از منابع طبیعی، روحیه نوآوری و ابتکار را در این جوامع از بین برده است. براساس همین تجربیات از نظریه‌هایی همچون نفرین منابع و پارادوکس فراوانی صحبت شده است. ایده نظریه‌ها این است که درآمدهای منابع طبیعی باعث افزایش فساد، تورم فزاینده، کشمکش و پاسخ‌گو نبودن دولت‌ها می‌شود.

نکته مهم اینکه منابع طبیعی گرچه نعمت‌های خدادادی هستند اما در اکثر کشورها درآمد حاصل از فروش منابع به آن اندازه که انتظار می‌رفت برای کشورها رونق و شکوفایی به ارمغان نیاورده است. عامل تعیین‌کننده در این موارد نحوه مدیریت و استفاده از این درآمدهاست. داشتن سرمایه اقتصادی یکی از عوامل توسعه می‌باشد و این عامل زمانی که با سرمایه‌های اجتماعی و انسانی تلفیق شود می‌تواند باعث پیشرفت گردد (کریمی فرد ۱۳۹۰).

۳. صندوق توسعه ملی

کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی برای جلوگیری از پدیده نفرین منابع تاکنون سیاست‌هایی همچون خصوصی‌سازی، تنوع بخشیدن به صادرات، توزیع مستقیم درآمدهای نفتی و صندوق درآمدهای ملی را به کار گرفته‌اند. در ایران حساب ذخیره ارزی از سال ۱۳۷۹ برای مدیریت درآمدها در دوران رونق و رکود نفتی ایجاد شد. (کریمی فرد ۱۳۹۰)

واژه صندوق ثروت ملی برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ توسط اندرو روزانو مورد استفاده قرار گرفت. صندوق‌های ثروت ملی اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند اما مرسوم‌ترین شکل آن صندوق‌های پس انداز یا بین نسلی و صندوق تثبیتی یا نقدی می‌باشد که از عمومیت بالایی در میان کشورهای صادرکننده نفت برخوردار است (باستانی و دیگران، ۱۳۹۶).

صندوق‌های پس‌اندازی با این هدف تاسیس شده‌اند که درآمد حاصل از منابع نفت و گاز را تبدیل به ثروتی ماندگار برای برخورداری نسل فعلی و نسل‌های آینده نمایند. در این نوع صندوق برداشت تنها از درآمدهای حاصل از دارایی‌ها مجاز بوده و بنابراین ارزش ثروت در طول زمان ثابت می‌ماند.

صندوق‌های تثبیتی نیز برای مقابله با کاهش در درآمدهای نفتی دولت ایجاد شده‌اند. هدف اصلی این صندوق‌ها، حمایت از سیاست‌های مالی در زمان کاهش درآمد و یا ایجاد شفافیت بیشتر در چگونگی خرج درآمدهای نفتی است. در مکانیسم عملکردی مرتبط با این صندوق‌ها، زمانی که درآمدها نسبت به میزان تعیین شده در بودجه دولت افزایش یابد، مازاد درآمدها به صندوق واریز شده و زمانی که درآمدها نسبت به میزان معینی، کاهش یابد و یا در صورت بروز حالت‌های اضطراری مشخص، منابع صندوق به نحوی که قبلاً تعیین شده است، از طریق بودجه دولت و یا موارد مشابه، به اقتصاد تزریق می‌گردد (باستانی و دیگران، ۱۳۹۶).

تشکیل اولین صندوق نفتی که متعلق به کویت بوده، در سال ۱۹۵۳ صورت گرفت اما از سال ۱۹۹۵ به بعد ایجاد اینگونه صندوق‌ها در سطح جهان فراگیر و گسترش یافته‌اند به طوری که بیش از ۷۰ درصد صندوق‌های ثروت ملی طی دو دهه اخیر ایجاد شده‌اند. این صندوق‌ها عمدتاً توسط دارندگان بزرگ منابع طبیعی ایجاد شده‌اند در این میان منابع درآمدی حدود ۶۰ درصد صندوق‌های ثروت ملی دارای منشاء نفت و گاز می‌باشند. نکته قابل توجه آن است که دارایی‌های تحت مدیریت صندوق‌های ثروت ملی رشد مستمری را تجربه نموده و به ۶ هزار میلیارد دلار در دسامبر ۲۰۱۳ رسیده است که حدود ۵۹ درصد این ارزش مربوط به کشورهای دارنده منابع نفت و گاز می‌باشد (حسینی، باستانی، ۱۳۹۱).

صندوق توسعه ملی ایران همگام با گسترش روزافزون صندوق‌های ثروت ملی در دنیا و پس از تجربه ناموفق حساب ذخیره ارزی در دهه ۸۰، طبق ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و حفظ سهم نسل‌های آینده، تاسیس شد. منابع موجود در صندوق توسعه ملی به عنوان امانت نسل‌های آینده می‌بایست به بهترین نحو و با در نظر گرفتن ریسک سرمایه‌گذاری‌ها جهت بهره‌برداری بهتر از ثروت‌های زیرزمینی، مورد استفاده قرار بگیرد. ابهام اساسی در فعالیت صندوق توسعه ملی، عدم اطمینان در مورد سرنوشت آن است. شاخص‌های کلان کشور نشان می‌دهند در عمل تغییری در الگوی رفتاری دولت، ساختار بودجه و روند فزاینده وابستگی به درآمدهای ایجاد نشده است. در چنین شرایطی طبیعی است صندوق نتواند گردآورنده و حافظ پس‌اندازهای ارزی کشور برای نسل‌های فعلی و آتی باشد (نادعلی، ۱۳۹۲).

۱.۳. تسهیلات صندوق توسعه ملی

دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی بر اساس ضوابط و شرایط خاصی ممکن است. این شرایط طوری طراحی شده که علاوه بر امکان بهره‌مندی همه افراد، برگشت سرمایه به صندوق را نیز تضمین می‌کند. محل مصرف منابع صندوق بر اساس اساسنامه آن به شرح زیر است.

- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی؛
- اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی برنده می‌شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات اتحادیه‌ای سندیکایی؛
- اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور؛
- سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی؛
- اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتادم قانون اساسی می‌باشد؛
- تامین هزینه‌های صندوق

۴. نروژ و درآمدهای نفتی

نروژ بعد از عربستان و روسیه سومین کشور صادرکننده نفت در دنیا است که درآمدهای حاصل از نفت را صرف افزایش ثروت ملی می‌کند و آن را در صندوق ارزی پس انداز می‌کند و دولت هرگز حق برداشت آن را ندارد. این کشور ۲۰ درصد از درآمد فروش نفت را صرف بودجه دولتی می‌کند و ۸۰ درصد آن را در بازارها و بورس‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌کند (کمالی دلفاریدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۱).

با توجه به این که منابع طبیعی به‌طور مستقیم و ذاتا نمی‌توانند مانع رشد اقتصادی شود، به نظر می‌رسد این پدیده از طریق کانال‌هایی مانند نوسانات شدی بازار جهانی نفت، افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرتجاری نسبت به کالاهای تجاری و در نتیجه، لطمه خوردن به بخش صنایع و کشاورزی، ضعف مهارت‌های شغلی و بی‌توجهی به سرمایه‌ی انسانی، به صورت غیرمستقیم موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع شده است (حسینی یزدی و توسلی نائینی، ۱۳۹۴، ۱۹).

دولت نروژ تاکید زیادی بر این امر داشت که منابع طبیعی باید تحت کنترل دولت باشد و دولت مقام مسئول در زمینه اعطای امتیاز کشف و تولید نفت باشد. با امتیازاتی که دولت در سال ۱۹۶۵ اعطا کرد، در سال ۱۹۹۶ اولین چاه نفت در فلات قاره نروژ حفاری شد و تولید در اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد؛ در آن زمان تولید نفت روزانه ۳۲۰۰۰ بشکه بود که در سال ۱۹۸۷ به یک میلیون بشکه و در سال ۱۹۹۶ به سه میلیون بشکه در روز افزایش یافت. به دلیل پایین بودن تقاضای داخلی در نروژ این کشور توانست به یکی از صادرکنندگان عمده نفت در جهان تبدیل شود (شیرکوند، ۱۳۸۲، ۵۰).

همانند ایالت‌های آلاسکا و آلبرتا، در نروژ نیز بعد از کشف حوزه‌های نفتی بحث‌های فراوانی در رابطه با چگونگی مصرف این درآمدها در اقتصاد داخلی شدت یافت. با این حال صحبتی از ایجاد صندوق نفتی نبود (کیان‌پور، ۱۳۸۹، ۸۲) پارلمان نروژ از ابتدا در پی این بود که نفت سهم زیادی در اقتصاد نروژ داشته باشد و در این راستا شرکت‌های نروژی هم باید در این بخش فعالیت می‌کردند. در این فرآیند، بنگاه‌های نروژی از قابلیت در زمینه‌های مرتبط نظیر کشتی‌سازی و تخصص زمین‌شناسی بهره بردند. بنگاه‌های نروژی پیش از کشف نفت در زمینه‌های گوناگونی فعال بوده‌اند و در بازار جهانی نیز جایگاه بالایی را به دست آوردند. اما در بخش نفت، به دلیل هزینه‌ی زیاد این بنگاه‌ها زیاد فعالیت نمی‌کردند (بابازاده، ۱۳۹۲، ۲۳)

افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ موجب افزایش درآمد نروژ شد. دولت نروژ در این مسیر با پیش‌بینی ادامه روند افزایش قیمت‌ها، برنامه‌هایی را تدارک دید، اما شرایط پیش‌بینی شده عملی نشد و دولت نروژ بدهی‌های زیادی به بار آورد. این امر موجب شد تا پارلمان نروژ در سال ۱۹۹۰ تشکیل صندوق ذخیره ارزی را به تصویب برساند. این صندوق به‌طور رسمی در سال ۱۹۹۶ کار خود را آغاز کرد و از آن زمان تاکنون توانسته موجب تحول بزرگی در اقتصاد این کشور شود. در حالی که اغلب کشورهای نفت‌خیز دنیا درآمدهای حاصل از فروش نفت خام خود را صرف هزینه‌های جاری می‌کنند، نروژ با پس‌انداز کردن آن در یک صندوق مستقل موجبات این تحول عظیم شده است (سلطانی و حشمت‌پور، ۱۳۹۵، ۲۱۷).

۱.۴. سرمایه‌گذاری منابع صندوق نروژ در دیگر کشورها

تمامی موجودی صندوق مازاد درآمد نفت نروژ صرفاً در دیگر کشورها سرمایه‌گذاری می‌شود و این کشور در سال ۲۰۰۵ میلادی بیشترین و بزرگترین سرمایه‌گذاری‌ها در مورد صنعت نفت‌وگاز را داشته است. اسم شرکت دولتی استات اویل که اصلی‌ترین شرکت استخراج نفت‌وگاز در نروژ است، به دلیل سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی‌اش، بیشتر در کشورهایی غیر از نروژ شنیده شده است. همچنین یکی از اصلی‌ترین شرکت‌هایی که حتی نفت ایران را استخراج می‌کند، همین شرکت استات اویل است. جنبه مهم دیگر این سیاست، استفاده از صندوق ذخیره ارزی به‌منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذارانی است که در توسعه میادین نفتی فعالیت می‌کنند (رشیدی و موسوی، ۱۳۹۸).

نروژ توانسته است با تشویق این‌گونه سرمایه‌گذاران تلاش آن‌ها برای به کار بردن آخرین تکنولوژی روز دنیا و ابداع روش‌های جدید جهت افزایش هر چه بیشتر ضریب بازیافت میادین نفتی را دو چندان کند. از این طریق بازیافت نفت در برخی از میادین نروژ به حدود ۷۰ درصد رسیده است. در حالیکه این رقم برای اکثر مخازن ایران حداکثر ۳۰ درصد است به عبارت دیگر نروژی‌ها توانسته‌اند از یک میدان نفتی بیش از دو برابر نفتی که در سایر مناطق دنیا استخراج می‌شود برداشت کنند (<http://www.daneshenaft.ir>).

از دلایلی که نروژ تصمیم به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها گرفته است به شرح ذیل می‌باشد:

- جلوگیری از تبدیل شدن صندوق به یک منبع اضافی برای تامین مالی هزینه‌های دولت. اگر از وجوه صندوق در سرمایه‌گذاری داخلی استفاده شود، به بخشی از بودجه دولت تبدیل می‌گردد که عواقب خاص خود را در پی دارد.
- سوق دادن سرمایه‌گذاری‌ها به خارج از کشور باعث می‌شود که ساختار صنعتی به درآمدهای نفتی وابسته نگردد. از این‌رو در صورت کاهش یا قطع درآمدهای نفتی نیز این ساختار قابل دوام خواهد بود.
- ضرورت تثبیت اقتصاد نروژ با سرمایه‌گذاری مستقیم منابع صندوق نفت در خارج از کشور. این امر فشار در زمینه تقویت ارزش نرخ ارز یا کاهش نرخ‌های بهره را کم می‌کند و اقتصاد داخلی را در مقابل تاثیرات ناشی از درآمدهای بالاتر نفتی مورد حمایت قرار می‌دهد.
- مصرف درآمدهای ارزی در داخل کشور می‌تواند آثار تورمی بر جای گذارد. به علاوه در شرایطی می‌تواند منجر به ضعف شرکت‌های داخلی در برابر واردات انبوه گردد (یوسفی، ۱۳۸۴، ۱۲۱-۱۲۳).

۵. رشد اقتصادی از طریق توسعه صادرات غیرنفتی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد رشد اقتصادی در ایران، رشد و توسعه تولید داخلی است که علاوه بر افزایش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه منجر به افزایش اشتغال و کاهش فقر خواهد شد. یکی از راهکارهای مهم برای افزایش تولید، توسعه صادرات کالا و خدمات ایرانی است. در حال حاضر کشورهای منطقه از بهترین مقاصد صادراتی کالاهای ایرانی می‌تواند باشد که به علت نزدیکی فاصله انتقال کالا و تشابه‌های فرهنگی بین این کشورها و در حال توسعه بودن اقتصاد آن‌ها اهمیت آن دوچندان خواهد بود.

با این توضیح استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای افزایش صادرات کشور می‌تواند علاوه بر استفاده کارآمد از منابع آن به رشد و توسعه اقتصادی نیز کمک خواهد کرد. نکته قابل توجه استفاده از منابع صندوق به صورتی است که موجب تناقض کارکردی در صندوق نشود.

تناقض کارکردی در صندوق توسعه ملی اشاره به این دارد که با وجود توان ساخت داخل بالا در حوزه ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی مورد نیاز صنایع، به دلیل عدم پرداخت تسهیلات به بخش داخلی ماشین‌آلات و تجهیزات و عدم امکان تبدیل ارز به ریال مطابق اساسنامه صندوق از خارج خریداری می‌گردد. همانگونه که ذکر شد، به دلیل نبود منبع مشخص تامین مالی ریالی در کنار تسهیلات ارزی صندوق وام‌گیرنده ترجیح می‌دهد بیشتر تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز طرح را از خارج تامین نماید تا از امکان تسهیلات ارزی صندوق برخوردار شود. اگرچه طرح‌های صنعتی با تسهیلات صندوق توسعه ملی از سال ۱۳۹۸ مشمول قانون حداکثر استفاده از توان ساخت داخل شده‌است، متقاضی با انگیزه دریافت تسهیلات ارزی بیشتر مشخصات فنی ماشین‌آلات مورد نیاز خود را

بیش از توان ساخت داخل اعلام می نماید. بیش اظهارهای مبلغ و نیاز ارزی طرح که پیش تر توضیح داده شد، از دیگر راه های دور زدن قانون حداکثر استفاده از توان داخل و انجام واردات به جای خرید داخل سهم داخلی مشخص شده است.

به نظر می رسد که محل استفاده از منابع صندوق توسعه ملی به گونه ای لازم است باشد که نه تنها موجب ضربه به تولید داخل نشود بلکه موجب رشد تولید شود. یکی از راهکارهای بسیار مناسب استفاده از منابع صندوق توسعه، صدور ضمانت نامه صادراتی برای صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی است.

۶. فرصت بازسازی سوریه برای اقتصاد ایران

سوریه یکی از کشورهای تأثیرگذار در محور مقاومت و منطقه غرب آسیا با ظرفیت های اقتصادی بالا است که در اثر مواجه شدن با بحران های نظامی-امنیتی با مشکلات اقتصادی مواجه شده است. بحران سوریه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد بسیاری از زیرساخت های اقتصادی، ارتباطی، عمرانی، تأسیسات تولید و انتقال انرژی و بافت مسکونی شهرها را به ورطه نابودی کشاند. از طرف دیگر آسیب دیدن بخش های درآمدزا نظیر کشاورزی، نفت و انرژی، توریسم و همچنین کارخانه ها، صنایع و معادن نیز نتیجه ی جنگ و ناامنی هایی است که در دوران بحران در سوریه رخ داده است.

کمیته اجتماعی و اقتصادی غرب آسیای سازمان ملل متحد^۲ در سال ۲۰۱۸ ارزش سرمایه های فیزیکی نابود شده در جنگ سوریه را مجموعاً ۱۰۰ میلیارد دلار و حجم سرمایه گذاری مورد نیاز برای بازسازی ویرانی ها را معادل ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. با کاهش چشمگیر درآمدهای سوریه، این کشور لاجرم برای بازسازی شهرها و بخش های تخریب شده و احیای بخش های درآمدزای خود به جذب سرمایه خارجی نیاز دارد. با شروع دوران بازسازی سوریه یک فرصت جذاب برای سرمایه گذاران عمرانی، صادرکنندگان خدمات فنی-مهندسی و فعالین بخش تجارت در عرصه بین الملل ایجاد شده است. به عبارت دیگر سوریه اکنون به یک بازار بزرگ ۴۰۰ میلیارد دلاری با جمعیت ۱۷ میلیون نفری برای فعالین اقتصادی خارجی تبدیل شده است.

با وجود موانع سرمایه گذاری در سوریه از جمله تحریم های ثانویه آمریکا، جذابیت های اقتصادی و اهمیت راهبردی این کشور به حدی بالا است که روسیه با تخطی از تحریم ها علیه سوریه، شروع به سرمایه گذاری در این کشور و بهره برداری از چاه های نفت و معادن فسفات کرده است. همچنین امارات متحده عربی علی رغم وجود شکاف های عمیق عقیدتی و سیاسی با حکومت سوریه، به دلیل اهمیت راهبردی حضور در دوران بازسازی نتوانسته اند از این

فرصت چشم‌پوشی کنند و وارد کارزار رقابت برای سرمایه‌گذاری در این کشور شده‌اند (اندیشکده سحاب، ۱۳۹۹، ۱۰۱).

منافع اقتصادی تنها دلیل اهمیت حضور اقتصادی ایران در این کشور نیست. علاوه بر درآمدزایی و ارزآوری، گسترش همکاری‌های راهبردی و تحکیم موقعیت محور مقاومت، حرکت در مسیر تشکیل بلوک ضد تحریمی، تأمین نیازهای استراتژیک کشورها به صورت متقابل، دستیابی به مسیر بازار مدیترانه و اتحادیه عرب، توسعه فعالیت شرکت‌های ایرانی در سطح بین‌الملل و تضمین حضور بلندمدت آن‌ها دیگر دستاوردهای حضور اقتصادی ایران در این کشور خواهد بود.

اطمینان از پوشش ریسک سیاسی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری است. بخش غیردولتی برای انجام هرگونه فعالیت اقتصادی برون‌مرزی ممکن است با مخاطرات گوناگونی مواجه شود و لازم است برای غلبه بر آن‌ها تدابیری را اتخاذ کند. فعالین بخش غیردولتی ایران نیز در صورت اطمینان از پوشش ریسک‌های سیاسی مرتبط با فعالیت اقتصادی در این کشور می‌توانند از فرصت به وجود آمده کمال استفاده را ببرند. جنگ، درگیری‌های نظامی و عملیات‌های تروریستی همان‌گونه که ویرانی‌های فیزیکی بسیاری را در سوریه به جای گذاشته‌اند، ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری و تجارت را نیز در این کشور افزایش داده‌اند.

۷. انواع ریسک در فعالیتهای اقتصادی

افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری در جهان اهمیت ویژه‌ای به بررسی ریسک‌های موجود در این زمینه بخشیده است. منظور از ریسک، زیان‌های بالقوه و قابل‌اندازه‌گیری است که احتمال دارد فعالان اقتصادی هنگام تجارت و سرمایه‌گذاری با آن مواجه شوند. عمده ریسک‌های احتمالی فعالیت اقتصادی عبارت‌اند از:

الف) ریسک عملیاتی^۳: ریسک‌هایی که به هزینه‌های ثابت مربوط می‌شوند و از آن‌ها نشأت می‌گیرند. ریسک خرابی‌ها و آسیب‌های مربوط به عملیات فنی و سوء مدیریت نیز ریسک عملیاتی تلقی می‌شوند.

ب) ریسک تجاری^۴: ریسک‌هایی که شرکت‌های تجاری به‌منظور به حداکثر رساندن ارزش سهام و سود به صورت خودآگاهانه متقبل می‌شوند.

پ) ریسک مالی^۵: ریسک‌هایی که در اثر افزایش بدهی‌ها و شکست در مدیریت آن‌ها به وجود می‌آید.

³ Operational Risk

⁴ Comercial Risk

⁵ Financial Risk

ت) ریسک اعتباری^۶: ریسک‌های مربوط به ناتوانی طرف معامله در ایفای تعهدات خود نسبت به بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری است.

ج) ریسک بازار^۷: این نوع ریسک به دلیل نوسانات قیمت دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود.

چ) ریسک نقد شوندگی^۸: این نوع ریسک ناشی از عدم توانایی در انجام معاملات به علت نقد شونده نبودن دارایی‌ها است.

ح) ریسک نرخ سود^۹: ریسک ناشی از نرخ سود مربوط به زمانی است که تغییر در نرخ سود باعث دگرگونی ارزش یک سرمایه‌گذاری گردد.

خ) ریسک تورم^{۱۰}: ریسک کاهش قدرت خرید وجوه سرمایه‌گذاری شده در اثر تورم که به نرخ بهره هم مربوط است.

ر) ریسک نرخ ارز^{۱۱}: ریسک مرتبط با تغییرات نرخ ارز در سرمایه‌گذاری خارجی است.

ز) ریسک کشور^{۱۲}: ریسک عدم توانایی دولت یک کشور در ایفای تعهدات مالی به علت کسری بودجه شدید.

د) ریسک سیاسی^{۱۳}: ریسک سیاسی را می‌توان ریسک ژئوپلیتیکی نیز نامید که به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید. به‌موجب آن، بازدهی سرمایه‌گذاری در یک کشور مختل شده و سطح اطمینان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. این ریسک مرتبط با جنبه‌های کیفی اقتصاد است.

ریسک سیاسی را می‌توان از جمله مهم‌ترین ریسک‌های فعالیت اقتصادی برون‌مرزی دانست. با توجه به اهمیت ریسک سیاسی در فعالیت‌های اقتصادی فرا سرزمینی، سرمایه‌گذاران، تجار و همچنین دولت‌ها به این امر توجه خاصی دارند. علت اصلی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی برای دولت‌های میزبان سرمایه، تلاش برای جلب سرمایه‌های خارجی به صورت حداکثر است. از طرف دیگر، اهتمام دولت‌های مبدأ سرمایه به این مسئله، زمینه‌سازی برای انتفاع تجار و سرمایه‌گذاران حوزه‌های قانونی متبوع از محل تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی است؛ چراکه

6 Credit Risk

7 Market Risk

8 Liquidity Risk

9 Interest Rate Risk

10 Inflation Risk

11 Currency Risk

12 Country Risk

13 Political Risk

سرمایه‌گذاران خارجی می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتر از منافع سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر بهره‌مند شوند.

۱.۷. ریسک سیاسی و انواع آن

بیمه ریسک سیاسی مدرن پس از جنگ جهانی دوم برای ترویج سرمایه‌گذاری تحت طرح مارشال شکل گرفت. برای بیش از چهل سال، PRI^{۱۴} تحت سلطه موسسات دوجانبه، مانند شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی خارج از کشور ایالات متحده (OPIC) بود که توسط دولت‌های ملی به نفع سرمایه‌گذاری خصوصی ملی آن‌ها اداره می‌شد. مؤسسات چندجانبه متعددی مانند آژانس ضمانت سرمایه‌گذاری چندجانبه بانک جهانی (MIGA)^{۱۵} نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ در بازار PRI شرکت کردند. مؤسسات چندجانبه به‌عنوان مجرای تامین مالی برای توسعه اقتصادی منطقه‌ای و خاص در کشورهای عضو عمل می‌کنند و کاهش ریسک سیاسی آن‌ها عمدتاً در قالب ضمانت‌هایی است، اعم از ریسک جزئی یا اعتباری.

امروزه تجارت جهانی با سطح قابل‌توجهی از ریسک‌های سیاسی روبه‌رو است. بدیهی است که به‌مرور زمان ماهیت ریسک‌های سیاسی تغییر شکل داده و هم‌اکنون این ریسک یک پدیده بسیار پیچیده و چندبعدی است که تجارت جهانی را به‌ویژه در مورد ارزیابی دقیق و مدیریت آن به‌شدت به چالش کشیده است (جکوبسن، ۲۰۱۰).

ریسک سیاسی یا ریسک ژئوپلیتیک به دلیل بی‌ثباتی عوامل مرتبط با نهاد حاکمیت یا درگیری بین دو کشور به وجود می‌آید. ریسک سیاسی بازدهی سرمایه‌گذاری در یک کشور را مختل می‌کند و سطح اطمینان سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. این ریسک مرتبط با جنبه‌های کیفی اقتصاد است که می‌توان آن را از جمله مهم‌ترین ریسک‌های فعالیت اقتصادی برون‌مرزی دانست. ریسک سیاسی مربوط به عواملی است که مستقیماً در رابطه با محاسبات اقتصادی مطرح نمی‌شوند ولی بر آن تأثیر می‌گذارند. با توجه به اهمیت ریسک سیاسی در فعالیت‌های اقتصادی فرا سرزمینی، سرمایه‌گذاران، تجار و همچنین دولت‌ها به ارزیابی این ریسک توجه خاصی دارند.

بر طبق نظر اگمنت^{۱۶} ریسک سیاسی به‌منزله تغییرات غیرمنتظره در عوامل تولید، دادوستد کالا و خدمات ناشی از اقدامات و واکنش‌های دولت تعریف شده است (زورگویی، ۲۰۱۱). ریسک سیاسی مهم‌ترین عامل خطرپذیری خارجی است که سودآوری سرمایه‌گذاری خارجی را در معرض آسیب قرار می‌دهد. این ریسک ناگهانی‌ترین رویدادی است که بر وضعیت سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی فعال در یک کشور اثر می‌گذارد. نیروهای سیاسی موجود در یک کشور می‌توانند تغییرات اساسی و عمده‌ای را در وضعیت کشور به وجود آورند و این تغییرات بر منافع و سایر هدف‌های سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی تأثیر می‌گذارد. برای تحقق ریسک سیاسی لازم است

¹⁴ Political Risk Insurance

¹⁵ Multilateral Investment Guarantee Agency

¹⁶ Egmont

که تغییرات سیاسی در محیط کار پیش آید به طوری که سبب انقطاع و عدم استمرار فعالیت‌های یک سازمان و یا شرکت‌های خارجی شود. ضمناً امکان پیش‌بینی تغییرات مزبور نیز به‌سختی فراهم باشد. ریسک سیاسی یعنی این احتمال که وقایع و نیروهای سیاسی در یک کشور در مقابل کوشش شرکت‌های چندملیتی برای رسیدن به اهداف خود، به‌ویژه سودآوری کارشکنی کنند و بر آن‌ها اثر منفی بگذارند (کاظمی، ۹۳).

تغییرات حاکمیتی منجر به تغییرات قوانین و تغییرات قوانین منجر به تغییرات سناریوها و شرایط اقتصادی و تجاری می‌شود. این تغییرات در هر سطحی اعم از ملی، فدرال، استانی و ... می‌تواند رخ دهد؛ لذا ریسک سیاسی به دو گونه خرد و کلان تقسیم می‌شود (فدایی و صارم، ۹۸).

الف) ریسک سیاسی کلان: زمانی که این ریسک به وجود می‌آید تمامی مؤسسات خارجی در یک کشور تحت تأثیر مخاطرات سیاسی واقع می‌شوند. به‌عنوان مثال، سلب مالکیت از دارایی‌های خارجی‌ها، زمینه‌سازی قانونی برای ملی‌سازی، قوانین محدودکننده سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین تحریم اقتصادی شرکت‌های تابع یک کشور خاص، ریسک سیاسی کلان محسوب می‌شوند.

ب) ریسک سیاسی خرد: ریسک سیاسی خرد تنها متوجه بخش خاصی از اقتصاد یا تعدادی از شرکت‌های به‌خصوص خارجی است و تمام فضای اقتصاد را در بر نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال وضع مقررات ویژه برای برخی صنایع، وضع مالیات بر برخی گونه‌های خاص فعالیت‌های اقتصادی و زمینه‌سازی قانونی برای بومی‌سازی تولید برخی کالاها از مصادیق ریسک سیاسی خرد محسوب می‌شوند.

۲.۷. انواع ریسک‌های سیاسی

انواع ریسک‌های سیاسی که می‌تواند فعالیت شرکت‌های خارجی در یک کشور را تحت تأثیر قرار دهند عبارت‌اند از (<https://egfi.ir>)

۱. **مصادره:** گرفتن دارایی خصوصی یک شرکت یا سازمان توسط دولت بدون پرداخت غرامت، به این بهانه که شرکت به استثمرار کشور می‌پردازد.

۲. **انکار و نفی قرارداد:** امتناع دولت از ایفای تعهدات ناشی از قرارداد بدون ارائه دلیل مشخص و نقض قراردادها، توافق‌ها یا فسخ آن‌ها به علت بازطراحی الگوهای سیاست خارجی است.

۳. **عدم تبدیل ارز:** ایجاد محدودیت‌هایی برای انتقال سود شرکت‌های خارجی به کشور مبدأ، از طریق تصویب قوانین ویژه یا طولانی کردن مسیر تبدیل ارز به نحوی که امکان انتقال ارز به‌سختی امکان پذیر شود.

۴. **اقدامات تبعیضی و مداخله دولتی:** وضع نرخ مالیات برای شرکت‌های خارجی بالاتر از شرکت‌های داخلی و به‌صورت کلی اعمال تبعیض‌های مالیاتی، کنترل دستوری قیمت‌ها، عقد قراردادهای فرعی اجباری، کیفیت بروکراسی از مصادیق ریسک سیاسی محسوب می‌شوند.

۵. **تحریم:** هرگونه ممانعتی که از طرف دولت نسبت به تجارت وضع شود، مانند ممنوعیت فروش بعضی از کالاها و خدمات به یک کشور خاص را شامل می‌شود.

۶. **خلع ید از مالکیت:** نفی مالکیت خصوصی شرکت خارجی و پرداخت غرامت در مقابل آن است. خلع ید گاهی به‌صورت آهسته و خزنده صورت می‌پذیرد؛ مانند افزایش تدریجی نرخ مالیات بر سود، به‌نحوی که نهایتاً ادامه‌ی کار برای شرکت خارجی بی‌فایده می‌شود. همچنین ایجاد موانع روزافزون برای انتقال سود سهام از کشور میزبان، تغییر دادن درصد مالکیت محلی و غیره را شامل می‌شود.

۷. **ملی کردن:** متمرکز کردن عوامل تولید در دست دولت و انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی با این پیش‌فرض که انتقال مالکیت به نفع عموم است.

۸. **فساد:** گستردگی فساد، گستردگی دامنه‌ی جرائم در جامعه و عدم توانایی مبارزه با آن، رشوه، کارشکنی و غیره.

۹. **قوانین و مقررات:** وجود قوانین و مقررات نامناسب و تغییرات قوانین و مقررات تجاری، قضایی و غیره، سیاست‌های اقتصادی دولت، کیفیت نظام اداری مبتنی بر قوانین، حاکمیت قانون به‌صورت نامناسب.

۱۰. **تقاضای غیرقانونی برای ضبط وثیقه‌ها:** ضبط وثیقه‌های سپرده‌شده بابت حسن انجام کار و غیره.

۱۱. **تنش‌های نظامی:** نظامی‌گری، جنگ و درگیری خارجی.

۱۲. **تنش‌های امنیتی:** شورش، آشوب و قیام اجتماعی داخلی، تهدیدات ثبات سیاسی، انقلاب سیاسی، عملیات تروریستی و خرابکاری، تنش‌های قومی، تنش‌های مذهبی.

با بررسی وضعیت کشور سوریه مشاهده می‌شود این کشور علاوه بر دارا بودن فرصت‌های اقتصادی کم نظیر اما بسیاری از ریسک‌های سیاسی در این کشور وجود دارد که نیاز به پوشش آن برای ورود بخش خصوصی ایران به این بازار است.

۸. جمع‌بندی

دولت نروژ به سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی در خارج کشور می‌پردازد و تنها مقدار کمی از آن را در اقتصاد داخلی وارد می‌کند. همین شیوه منجر به موفقیت دولت نروژ در فعالیت‌های نفتی شده است. تاسیس صندوق ذخیره ارزی از مهم‌ترین راهکارهای دولت نروژ برای ورود درآمد نفتی به اقتصاد بوده است. بر اساس قانون، وجوه صندوق

در اسناد مالی خارجی اوراق قرضه، سهام شرکت‌ها، اسناد بازار مالی و اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌شود و پارلمان نروژ باید تغییرات در صندوق را تایید کند. در این راستا بانک مرکزی هر سه ماه به بررسی شفافیت صندوق می‌پردازد و آن را به اطلاع مردم می‌رساند.

در ایران و نروژ در خصوص تشکیل صندوق و حساب ذخیره ارزی دو کشور شرایط متفاوتی داشتند که بستگی به نوع نگاهشان به درآمدهای نفتی داشت. اما هدف هر دو کشور در راستای مدیریت درآمدهای نفتی بوده که منجر به ایجاد صندوق و حساب ذخیره ارزی گردیده است. حساب ذخیره ارزی ایران اهداف خود را عملی نکرده و مسیر درستی را طی ننموده است، اما نروژ به موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه دست یافته است. از جمله این دستاوردهای مهم در نروژ استفاده از صندوق، به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذارانی است که در توسعه میادین نفتی فعالیت می‌کنند.

تاسیس حساب ذخیره ارزی در ایران با هدف جلوگیری از انتقال آثار منفی نوسان قیمت نفت بر اقتصاد داخلی صورت گرفت. ایران همچنین در تلاش بود تا با ذخیره‌سازی مازاد درآمد نفتی، از بخش خصوصی نیز حمایت نماید اما در ایران برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی و تزریق پول آن به اقتصاد را شاهد بوده‌ایم. از طرف دیگر در دسترس بودن منبع ذخیره ارزی به دلیل عدم تشکیل یک صندوق مستقل از نظر حقوقی با مدیریت مشخص و مستقل نیز امکان دستیابی دولت به آن را سهل کرده و باعث شده تا اهداف پیش‌بینی شده از تشکیل حساب ذخیره ارزی محقق نگردد.

با توجه به مشکلات صندوق توسعه ملی تاکنون به نظر می‌رسد یکی از راه‌های استفاده بهینه از منابع این صندوق ارائه ضمانت‌نامه بر اساس آن‌ها برای صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی است. با توجه به این که کشور سوریه یک بازار مناسب برای کالا و خدمات فنی و مهندسی ایران است و وجود ریسک‌های سیاسی جدی در این کشور، به نظر می‌رسد که ارائه ضمانت‌نامه‌های پوشش ریسک سیاسی بر مبنای منابع صندوق توسعه ملی یک راهکار مناسب برای ورود بخش خصوصی ایران به بازار سوریه است. صندوق ضمانت صادرات ایران نیز می‌تواند به عنوان عامل اجرایی صدور ضمانت‌نامه پوشش ریسک سیاسی عمل کند. لذا لازم است که میزانی از منابع صندوق توسعه ملی به صندوق ضمانت صادرات ایران اختصاص یابد تا بر اساس نظام اعتبار سنجی و خاص پوشش ریسک‌های سیاسی به پروژه‌های راهبردی ایران در سوریه اختصاص یابد.

با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای ارائه ضمانت‌نامه پوشش ریسک سیاسی می‌توان از رشد صادرات غیرنفتی کشور حمایت کرد و منابع بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در کشور سوریه که اهمیت راهبردی برای کشور دارد استفاده کرد. با این رویکرد علاوه بر کاهش تناقض کارکردی صندوق توسعه ملی ایران و رشد صادرات غیرنفتی می‌توان اهداف سیاست خارجی کشور را محقق کرد.

منابع

- اساسنامه صندوق توسعه ملی
- اندیشکده سبحان. (۱۴۰۰). بررسی ابعاد ریسک سیاسی در تعامل اقتصادی با سوریه و ضرورت پوشش آن. شماره ۱۱۰.
- اندیشکده سبحان. (۱۳۹۹). وضعیت حضور بازیگران خارجی در دوره بازسازی سوریه، رصد شماره ۱۰۱.
- باستانی، علیرضا؛ رزمی، سید محمد جواد؛ ناجی میدانی، علی اکبر؛ بکی حسکویی، مرتضی (۱۳۹۶). تخصیص بهینه درآمدهای نفتی به صندوق توسعه ملی: تحلیل بهینه‌یابی پویا، فصلنامه پژوهش‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی انرژی، ۳(۶)، ۱۳۵-۱۶۹.
- بابازاده، بهزاد. (۱۳۹۲). نروژ؛ تنها کشور نفتی توسعه یافته؛ چرا؟. روزنامه اندیشه اقتصاد. ۳۰۸۱.
- حسینی یزدی و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر درآمدهای بالای نفتی بر توسعه کشور نروژ با استفاده از تحلیل عملکرد. ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز. ۱۲۳. ۱۹-۲۴.
- حسینی، سیدمهدی؛ باستانی، علیرضا (۱۳۹۱)، صندوق‌های ثروت ملی موفق (الگوها و رفتارها)؛ آموزه‌هایی برای صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ثروت ملی؛ توسعه پایدار؛ صندوق توسعه ملی.
- رشیدی، احمد و موسوی، سید صالح. (۱۳۹۸). درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ۱ (۲).
- سلطانی، علیرضا و حشمت‌پور، علیرضا. (۱۳۹۵). ساختار مدیریت درآمدهای نفتی در نروژ و گذار از دولت رانتیر. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۳۴، ۱۹۷-۲۳۰.
- شیرکوند، فاطمه. (۱۳۸۲). درآمدهای نفتی ایران و ایجاد رانت‌خواری، حذف رقابت. ماهنامه سیاسی، اقتصادی، مسائل اجتماعی. ۱۴۹. ۴۸-۵۲.
- فدایی، مهدی و صارم، مریم. (۱۳۹۸). اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت ریسک سیاسی و توسعه‌ی مالی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. پیاپی ۱۶ (تابستان ۱۳۹۸).
- کاظمی، مهیندخت. (۱۳۹۳). ریسک سیاسی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی. پژوهش‌نامه‌ی ایرانی سیاست بین‌الملل. سال سوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- کریمی‌فرد، حسن (۱۳۹۰). ارزیابی صندوق درآمدهای ملی ناشی از فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ با تاکید بر صندوق توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۱۸(۶۸)، ۱۴۷-۱۸۴.

- کمالی دلفاردی و دیگران. (۱۳۹۴). بررسی عملکرد دولت‌های رانتیر در دو حوزه‌ی توسعه اقتصادی و سیاسی. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد سبز.
- کیان‌پور، سعید. (۱۳۸۹). بررسی حساب ذخیره ارزی در ایران در مقایسه با تجربیات صندوق‌های نفتی سایر کشورها. بررسی‌های بازرگانی. ۴۳، ۷۸-۹۵.
- نادعلی، محمد (۱۳۹۲). مسیر حرکت آتی صندوق توسعه ملی. صندوق توسعه ملی ایران، همایش ملی ثروت ملی، توسعه پایدار، تهران.
- یوسفی، مهدی. (۱۳۴۴). گزارش کشوری انرژی: نروژ. تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

- Carneiro, Francisco (2007). "Development Challenges of Resource-Rich Countries: The Case of Oil Exporters", *NESG Economic Indicators*, Vol. 13, No. 4
- Van der Ploeg, Frederick (2006). 6. "Challenges and Opportunities for Resource Rich Economics", Center for Economic Studies and Ifo Institute for Economic Research (CESifo), Centre for Economic Policy Research (CEPR), Working Paper. May.
- <http://www.daneshenaft.ir-10920>
- <https://egfi.ir>
- <https://www.unescwa.org/>
- <https://www.worldbank.org/>
- <https://home.treasury.gov/policy-issues/office-of-foreign-assets-control-sanctions-programs-and-information>